

قحطی میلیونها آفریقایی را تهدید می‌کند*

مترجم: شریف مطوف

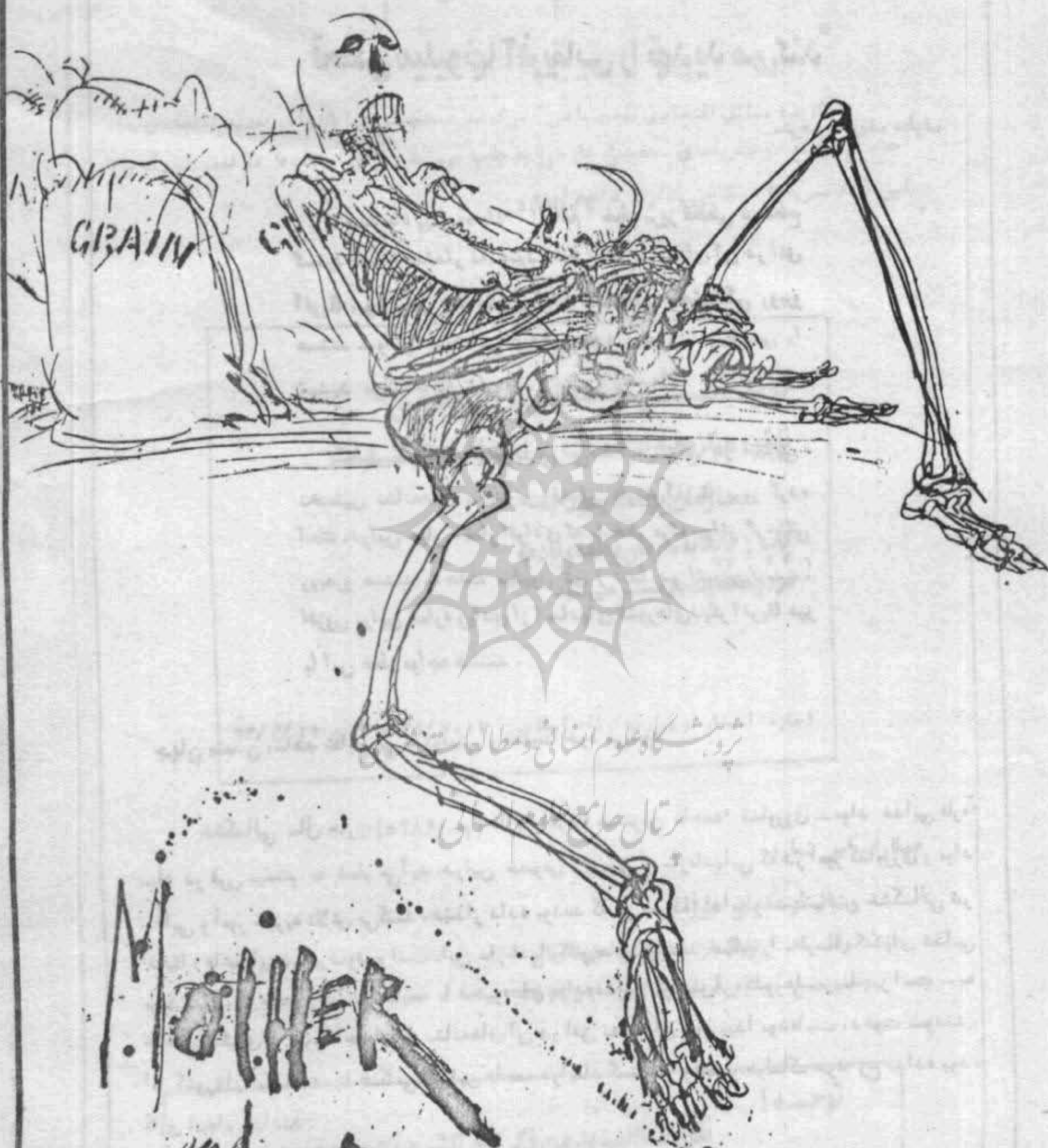
چند ماه پیش، مجله "العالم" خطر بروز قحطی در سطح گسترده‌ای را هشدار داده بود. خطری که نشانه‌های آن در افق آفریقا، بویژه در ۲۶ کشوری که با خشکسالی وحشتناکی روبرو هستند - و این خشکسالی زندگی ۱۵۰ میلیون آفریقایی را تهدید می‌کند - پدیدار بود.

همان گونه که پیش‌بینی می‌شد، به تازگی در اتیوپی، نخستین نشانه‌های سختترین قحطی تاریخ آفریقا بروز کرده است. در این میان، شمار افرادی که با خطر مرگ بر اثر گرسنگی روبرو هستند به هفت میلیون تن (تنها در اتیوپی) رسید؛ افزون بر این شماره زیادی از اسانهای کشورهای دیگر آفریقا نیز با این خطر مواجه هستند.

جهان متمدن، شاهد نتایج بی‌مسئولیتی و قسوت خود می‌شود

خشکسالی سال جاری (= ۱۹۸۴-۸۵) قاره آفریقا، بدترین فاجعه کشاورزی - مواد غذایی قاره سیاه در قرن بیستم به شمار می‌آید. در این خصوص، برخی از سازمانهایی که در امور کشاورزی و مواد غذایی و امور خیریه تلاش می‌کنند، هشدار داده بودند که در نتیجه ادامه و شدت یافتن خشکسالی در آفریقا، فاجعه‌ای در شرف وقوع است. این سازمانها، کشورهای ثروتمند جهان را به ارسال کمکهای غذایی مورد نیاز - که حجم آنها در مقایسه با ذخیره‌های مواد غذایی بر نیاز آن کشورها بس ناچیز است - به خاطر پیشگیری از بروز فاجعه‌ای که نشانه‌های آن در افق نه‌چندان دور پیدا بوده است، دعوت نمودند. اما کشورهای یادشده، تا هنگامی که این فاجعه در ابعاد گسترده زشت و هولناک خود رخ نداده بود، کاری انجام ندادند.

هشدارها و فریادهای کارشناسان و آگاهان به مسائل منطقه، نه فقط به ضرورت ارسال کمکهای



MOTHER
and
CHILD 1984

Ralph STEINMAN

فوری به آفریقایها، بلکه بر ضرورت برخورد ریشه‌ای و برای دراز مدت با مشکل گرسنگی تأکید کرده است. به عقیده کارشناسان یاد شده، کوششهای پیگیری جهت بارورتر ساختن زمینهای کشاورزی لازم است تا کمبود کنونی در نیاز قاره سیاه به مواد غذایی برطرف شود. در این صورت طرحهای آبیاری بیشتر و به کارگیری شیوه‌های بهتر در امور کشاورزی (مانند به کارگیری ماشین آلات کشاورزی، بذر اصلاح شده و کود شیمیایی) علاوه بر ارائه خدمات آموزشی و ترویجی ضروری به کشاورزان آفریقایی، لازم به نظر می‌رسد.

توسعه نیافتگی دردناک

بانک جهانی در گزارش اخیر خود در مورد کشورهای آفریقایی واقع در جنوب صحرای بزرگ آفریقا، یادآور شد که کشورهای یاد شده از نظر اقتصادی در ۳ سال گذشته با توسعه نیافتگی هر چه بیشتری دست به گریبان بوده‌اند. گزارش یاد شده حاکی است که در این مدت این کشورها از نظر اقتصادی، پانزده سال به عقب بازگردانده شده‌اند. گزارش مزبور به آمار دهشتناکی تکیه می‌کند و تأکید می‌ورزد که متوسط درآمد هر فرد آفریقایی - همچنین ارزش تولید او - به پایینتر از سطح سال ۱۹۷۰ تنزل کرده است.

این گزارش پیش بینی می‌کند، در کل قاره سیاه نیز، پایین آمدن میزان درآمد فرد آفریقایی تا پایان قرن جاری ادامه خواهد داشت. همچنین کارشناسان پیش بینی می‌کنند، ۸۰٪ مردم قاره آفریقا در سال ۱۹۹۵ پایینتر از آستانه تهیدستی، زندگی خواهند کرد. این رقم در حال حاضر به ۶۰٪ می‌رسد. در این زمینه نمی‌توان تنها حکومتهای آفریقایی را سرزنش کرد، بلکه گناه نخست متوجه حکومتهای کشورهای ثروتمند است که اهمیتی جز به منافع سیاسی خویش نمی‌دهند و از جنبه‌های انسانی و آرزوهای مردم کشورهای تهیدست به داشتن زندگی همراه با پیشرفت و توسعه، به کلی غافل مانده‌اند.

افزون بر آنچه گفته شد، پایه‌های اصلی اقتصاد شمار زیادی از کشورهای قاره آفریقا، به گونه‌ای بسیار محسوس، متزلزل شده است. نظامهای حمل و نقل به دلیل نداشتن بودجه، کافی جهت مرمت جاده‌ها و یا وارد کردن قطعه‌های یدکی برای تعمیر و راه‌اندازی خودروهای از کار افتاده، به میزان زیادی رو به انحطاط گذاشته است. همین دلیلها باعث محروم ساختن مدرسه‌ها و دانش‌آموزان از کتابهای درسی و دیگر مسائل ضروری برای آموزش، گشته است. افزون بر این، کارخانه‌ها و کارگاههای بسیاری ناچار به فعالیت با ۲۵٪ گنجایش تولیدی خود شده‌اند.

کارشناسان آگاه اظهار می‌کنند: حدود نیمی از کودکان کشورهایمانند سودان، تانزانیا و بروندي از بدی تغذیه رنج می‌برند. این سوء تغذیه پیامدی جز انهدام قدرت بدنی و عقلی آنان - چنانچه زنده بمانند - نخواهد داشت. علاوه بر این، میزان مرگ و میر کودکان آفریقایی، دو برابر کودکان دیگر کشورهای جهان سوم (آسیا و آمریکای لاتین) است.

در این زمینه، بانک جهانی، اخیراً "کشورهای ثروتمند را به افزایش کمکهای خود به قاره آفریقا - به میزان سالانه دو میلیارد دلار - در سالهای آینده، به خاطر اجرای برنامه‌های گسترده‌ای در زمینه"

اصلاحات ارضی و رشد دادن مناطق روستایی از نظر اقتصادی و اجتماعی دعوت کرده است. بانک پاد شده، همچنین، دولت‌های آفریقایی را به تحمل مسئولیتهای خود در انجام دگرگونیهای ضروری به منظور کاهش فقر و فلاکت مبتلابه مردم قاره سیاه دعوت کرده است.

توسعه نیافتگی کشاورزی

گزارش دیگری که اخیراً "توسط سازمان کشاورزی و مواد غذایی سازمان ملل متحد (F A O)" منتشر شد، نشان می‌دهد که در حال حاضر، ۲۴ کشور آفریقایی، از نظر کشاورزی، کشورهای توسعه نیافته به شمار می‌آیند. در خلال ۱۰ سال گذشته، تولید مواد غذایی در جنوب صحرای آفریقا، سالانه به میزان ۱٪ کاهش یافته است. بنابراین آمار، میانگین تولید مواد غذایی سرانه در آفریقا به میزان ۲۵٪ نسبت به سال ۱۹۶۰ پایین آمده است. چنانچه این کاهش، به همین شکل ادامه یابد، در سال ۱۹۸۸، تولید مواد غذایی بیشتر از سال جاری نخواهد بود، حتی اگر اوضاع جوی در آن سال مناسبتر باشد.

روشن است که اوضاع کلی اقتصادی کشورهای آفریقایی در خلال پنج سال گذشته، افت و رکود پیگیری را شاهد بوده است. بدهیهای این کشورها افزایش یافت و میزان بهره نیز بالا رفت و این امر به افزایش تعداد و مبالغ اقساط بازپرداختی منجر شد. علاوه بر این، به طور مداوم قیمت کالاهای صادراتی آفریقایی کاهش یافت و قیمت کالاهای وارداتی افزایش پیدا کرد. از این رو در چهار سال گذشته، ۱۳ کشور واقع در جنوب صحرای آفریقا ناگزیر شدند از "باشگاه پاریس" ۲۳ بار درخواست کنند، اقساط بازپرداختی بدهیهای خود را بار دیگر تنظیم کند. همچنین برحسب ضرورت، ۱۱ کشور دیگر آفریقایی در بدهیهای بازرگانی خود بازبینی کردند. از سوی دیگر، آمار موجود نشان می‌دهد که بهای مواد اولیه صادره از کشورهای آفریقا، تنها در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ به میزان ۲۷٪ کاهش پیدا کرده است. لذا در سال گذشته مبلغ اقساط بازپرداختی برخی از کشورهای آفریقایی، بر مبلغ کل صادرات آن کشورها فزونی یافت.

به همین دلیل، ملاحظه می‌شود، سطح زندگی در بسیاری از کشورهای آفریقایی به پایینتر از زمان پیش از استقلال آن کشورها رسیده است و این کاهش همچنان ادامه دارد. طبیعی است در چنین شرایطی، بحران و رکود شدیدی در امور خدمات عمومی - هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی - به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این، بحران اقتصادی به طور کلی و بالا رفتن میزان بیکاری باعث شد تعدادی از رژیمهای حاکم، تکانهای سیاسی شدیدی را متحمل شوند.

مسلمانان، قربانیان اصلی فاجعه‌اند

گفته می‌شود، مرگ و میر ناشی از قحطی و خشکسالی تاکنون دامنگیر مناطقی شده است که بیشتر جمعیت آن مناطق را مسلمانان تشکیل می‌دهند؛ از جمله ایالت‌های اریتره و تایگر در شمال اتیوپی و اوگاندا در جنوب آن کشور. در حال حاضر تعداد کسانی که در اتیوپی بر اثر گرسنگی می‌میرند، حدود ۱۵۰۰۰ نفر در هفته است که بیشتر آنان مسلمان هستند. اما تعداد کسانی که تا پایان سال جاری بر اثر گرسنگی خواهند مرد (فقط در اتیوپی) بیش از یک میلیون نفر برآورد می‌شود.

تعداد کسانی که تاکنون در اتیوپی بر اثر خشکسالی آسیب دیده‌اند بیش از هفت میلیون نفر است. همچنین آگاهان به مسائل منطقه پیش‌بینی می‌کنند، این بحران تا پایان سال ۱۹۸۵ (فصل برداشت محصول) ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، به دلیل اینکه بیشترین بذر کشاورزی کشور به مصرف غذایی رسیده است، انتظار نمی‌رود، محصول خوبی در سال رر اعی آینده - حتی اگر باران به اندازه کافی بیارد - داشته باشند. به همین دلیل پیش‌بینی می‌شود این بحران دست‌کم تا دو سال دیگر ادامه یابد.

خطر قحطی، زندگی ۸۰۰ میلیون انسان گرسنه را بی‌بوته تهدید می‌کند. بیشتر این مردم، کشاورزان و بذرپاشان کشورهای توسعه نیافته هستند که خود، مواد غذایی را تولید می‌کنند اما از آن بهره‌ای ندارند!

سؤال رسواکننده این است: چرا به جای مصرف کنندگان آسوده خیال، این بیشتر تولید کنندگان مواد غذایی هستند که قبل از همه از گرسنگی می‌میرند؟



ناگفته نماند سازمان کشاورزی و مواد غذایی و سازمان امداد جهانی، بارها، خطر خشکسالی اخیر را گوشزد کرده و دولتهای شرق و غرب را به ارسال فوری کمکها دعوت کرده بودند. ولی این درخواستها و دعوتها، در میان کاخ نشینان جهان آزاد! و جهان سوسیالیزم! گوش شنوایی نیافت.

اقدامهای امدادی و کمک رسانیهای اخیر حکومتهای یادشده نیز در پی انتشار گزارشهای دردناک تلویزیون و روزنامهها صورت گرفته است! هنگامی که فشار مردم بر دولتهای غربی شدت یافت و عواطف سیرشدگان غربی را تحریک نمود تا بر گرسنگان آفریقا اشکی بیفشانند.

رهبران بلوک شرق نیز فقط هنگامی که دولتهای غربی - پس از چندی دوز و کلک بازی و به تاخیر انداختنها - ناچار به انجام کارهای جزئی در این زمینه شدند، احساس کردند که باید خود نیز کاری انجام دهند. بویژه اینکه رژیم حاکم بر اتیوپی یکی از پایگاههای اصلی آنان در قاره، آفریقا به شمار می رود.

سازمانهای امدادی بین المللی تخمین می رهند که نیاز کشورهای آفریقایی به مواد غذایی - برای نجات دادن قحطیزدگان از مرگ حتمی - در حدود ۱۰۰ هزار تن در ماه، یعنی بیش از یک میلیون تن در دوازده ماه آینده است. گفته می شود که مقدار مواد غذایی انبار شده در کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی در حال حاضر به بیش از ۲۵ میلیون تن می رسد.

به عنوان مثال، مقدار غله انبار شده (غیر از لبنیات، گوشت و دیگر مواد غذایی) در کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، در حال حاضر در حدود ده میلیون تن است و بیش بینی می شود این رقم در پایان سال جاری (= ۱۹۸۴-۸۵) به علت تولید بیسابقه غله، به ۱۶ میلیون تن افزایش یابد. از سوی دیگر، مسئولان بازار مشترک اروپا، هزینه انبار کردن یک تن غله پنج سال - مدت زمانی که می توان غله را انبار کرد تا به مصرف برسد - را در حدود ۲۵۰ دلار برآورد می کنند. در حالی که هزینه ارسال غله برای گرسنگان آفریقا از ۳۰ دلار برای هر نفر، فراتر نمی رود.

در این خصوص، مطبوعات جهان غرب اشاره کردند که دولتهای ایالات متحد آمریکا و بریتانیا، با این که از ابعاد فاجعه، آگاهی قبلی داشتند، از ارسال کمک به قحطیزدگان آفریقایی خودداری کردند. در این زمینه آقای چارلز الیت، رئیس پیشین یکی از سازمانهای امداد بین المللی، گفت که براساس روابط نزدیکی که وی با مسئولان آمریکایی و بریتانیایی دارد، متقاعد گشته است که آنان، آگاهی کافی به حقیقت و عمق و ابعاد فاجعه داشته اند.

آقای الیت اضافه می کند که دشمنی غرب با رژیم حاکم در آدیس آبابا انگیزه ای بوده تا آنان را از ارسال کمک به گرسنگان آفریقا باز دارد. این کار به خاطر اینکه رژیم حاکم بر اتیوپی را متزلزل سازد، صورت گرفته است. گفته می شود، حکومتهای غربی می پنداشتند، گرسنگی و قحطی شدید اتیوپی به سقوط رژیم حاکم منجر خواهد شد. همان گونه که در ده سال پیش، هنگامی که فاجعه گرسنگی به مرگ ۲۰۰ هزار نفر اتیوپیایی و سپس سقوط رژیم هیلاسلاسی منجر شد، اتفاق افتاد.

هر اندازه احتمال درستی این گفته اندک باشد، دلایلی فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد رژیم حاکم بر اتیوپی به آنچه در ایالت‌های شمالی و جنوبی آن کشور اتفاق می‌افتد - به خاطر صرف مبالغ هنگفتی از بودجه دولت در اجرای مراسم اخیر جشنهای دهمین سالگرد تأسیس رژیم کنونی - اهمیت زیادی نداده است. افزون بر این هنوز هم کشتیهای ریادی در بندرگاههای اتیوپی دیده می‌شوند که صدها تن مشروبات الکلی از بندرهای اروپایی برای " مدعیان سوسیالیزم " در کشوری سوغات می‌آورند که گرسنگان آن کشور به طور روزانه در حسرت یک قرض نان می‌میرند!

نه ... برای توسعه کشاورزی

موضعگیری دولت ایالات متحد آمریکا و هم پیمانان غربی اش در جلسه‌های اخیر صندوق جهانی توسعه کشاورزی (= ایفاد) که در اواخر ماه اکتبر گذشته (= سال ۱۹۸۴ - م) تشکیل شده است، بیش از پیش روشن شد. گفته می‌شود که بودجه این صندوق بیشتر از طرف کشورهای صادرکننده نفت (= اوپک) و کشورهای اروپای غربی تأمین می‌شود. در این جلسه‌ها کشورهای عضو اوپک - که در گذشته به میزان ۴۲٪ بودجه صندوق مزبور را تأمین کرده بودند - درخواست کردند، سهم خود را کاهش دهند و به جای آن کشورهای غربی سهم بیشتری در تأمین بودجه آن سازمان برعهده گیرند. این امر به دلیل کاهش قیمت نفت از سوی و کاهش میزان فروش نفت این کشورها از سوی دیگر بوده است. اما دولت ایالات متحد آمریکا با این درخواست موافقت نکرد و به هم پیمانان خود نیز فشار آورد تا آنان هم زیر بار نروند.

بنابراین، " ایفاد " بدون هیچ گونه تصمیمگیری در مورد تأمین بودجه سال آینده، به جلسه خود پایان داد و این ممکن است به فروپاشی سازمان مزبور منجر شود. گفته می‌شود که " ایفاد " در ده سالی که از تأسیس آن می‌گذرد، تاکنون به بیش از ۴۰ میلیون کشاورز در جهان کمک کرده است. سازمان یاد شده، در افزایش تولید مواد غذایی در کشورهای جهان سوم نیز، به میزان ۲۰ میلیون تن، سهم بوده است. همچنین سازمان مزبور، کوشش کرده است تا مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار اضافی را، برای توسعه کشاورزی در ۳ سال آینده فراهم سازد.

